



محمدجوان اخوان

جنگ تحمیلی سوم که در واپسین روزهای سال ۱۴۰۴ آغاز شد و ۴۰روز به طول انجامید، رویدادی کم‌سابقه در تاریخ معاصر خاورمیانه بود. ائتلافی متشکل از ایالات متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی با اهداف اعلام‌شده «تغییر ساختار سیاسی ایران»، «انهدام کامل مؤلفه‌های قدرت موشکی و هسته‌ای» و «ریشه‌کن کردن محور مقاومت» وارد جنگی تمام‌عیار علیه جمهوری اسلامی ایران شد. هر چند در دوره سکوت نظامی هستیم، اما آنچه تا این لحظه نبرد ۴۰روزه به وقوع پیوست، نه تحقق اهداف مهاجمان که آشکار شدن دستاوردهای راهبردی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و نظامی برای ایران بسود. گزارش حاضر با بهره‌گیری از تحلیل‌ها، گزارش‌های میدانی و ارزیابی‌های کارشناسی منتشرشده در گستره وسیعی از منابع خبری و تحلیلی جهانی، منطقه‌ای و داخلی، تصویری جامع و مستند از این دستاوردها بر اساس محورهای تعیین‌شده ارائه می‌دهد. آنچه در پی می‌آید، تحلیلی یکپارچه از پیامدها و نتایج این جنگ بر اساس شواهد و داده‌های موجود در فضای رسانه‌ای و تحلیلی جهانی است. این تحلیل نشان می‌دهد که چگونه مقاومت ۴۰روزه ایران، معادلات راهبردی منطقه و جهان را دستخوش تغییر کرد و تصویری جدید از توانمندی‌های جمهوری اسلامی ایران در عرصه‌های گوناگون به نمایش گذاشت.

ارتقای پیوند ملی در سایه بحران

یاسخی عملی به پیش‌بینی‌های فروپاشی اجتماعی

آنچه در کوچو و خیابان شهرها نمایان شده، نه‌تصویر اغتشاش پیش‌بینی شده توسط مهاجمان که صحنه‌های خودجوش مشارکت عمومی در مدیریت بحران و حراست از کینان کشور بود. حافظه تاریخی جامعه در قبال متجاوز، به پدیده‌ای منجر شد که کارشناسان جهانی از آن به عنوان «همگرایی ملی حول محور حاکمیت» یاد کردند، سازوکاری که تهدید بیرونی را به جسی برای التیام شکاف‌های درونی بدل ساخت.

تداوم بی‌وقفه خدمات عمومی و خلق مدالی از مدیریت مردمی سالار در بحبوحه نبرد

جریان زندگی و خدمات ضروری در سراسر کشور حتی برای لحظهای قطع نگردد. این امر حاصل هماهنگی کم‌نظیر میان ساختار اداری کشور، بدنه نظامی و حضور داوطلبانه مردم بود. این دوره فشرده، الگویی را به نمایش گذاشت که در آن شهروندان به جای ناظر منفعل، به کشتگران اصلی صحنه اداره کشور تبدیل شدند و پیوندی عمیق میان ملت و ساختار حاکمیتی شکل گرفت.

تثبیت ساز و کار جانشینی و اثبات بلوغ ساختار حقوقی در شرایط فقدان رهبری

هدف‌گیری مراکز فرماندهی در نخستین ساعات تهاجم با هدف ایجاد خلأ قدرت صورت گرفت. با وجود این، طی کمتر از ۱۰ روز، فرایند قانونی برای تعیین عالی‌ترین مقام کشور از طریق مجلس خبرگان به انجام رسید. این جابه‌جایی بدون تنش، نه تنها زنجیره فرماندهی را گسیخته نسماسخت که گواهی بر استحکام بنیادین سازکارهای سیاسی متأثر از نهادپندشندن ولایت مطلقه فقیه در کشور بود و ناظران خارجی را به تحسین واداشت که چگونه نظام طراحی‌شده، حتی ترور رهبران را نیز در فلسفه بقای خود همضم کرده است.

همراهی قاطع ملت با تصمیمات کلان ملی

در سخت‌ترین شرایط میدانی

از استمرار آتش‌نابذیرش شرایط و ایجاد سکوت نظامی، تملی‌گزیانه‌های راهبردی کشور با پشتیبانی بی‌چون‌وچرای مردم همراه بود. صحنه‌های بدرقه یکپارهای آسمانی و اجتماعات عظیم در زیر آتش دشمن، این پیام را به گوش جهانیان رساند که با‌پایه‌های این ایستادگی نه‌بر یک دولت که بر اراده یکپارچه یک ملت در تثبیت ار امام خود بنا شده است. این میزان از حمایت، مشروعیت سیاسی نظام را به سطحی بی‌نظیر رساند.

هماهنگی و انسجام ساختاری

در شبکه تصمیم‌سازی و اجرای دفاعی

این نبرد از منظر نهایی برای معماری امنیتی و دفاعی کشور بود. در این آزمون، یکپارچگی فرماندهی و تقسیم کار میان نیروهای مسلح و دستگاه دیپلماتیک و امنیتی بر سطحی مثال‌زدنی ظاهر شد. اجرای ده‌ها مأموریت پیچیده در زیر بمباران‌های سنگین نشان داد که ساختار دفاعی کشور از چنان عمق و استحکامی برخوردار است که حذف فیزیکی عناصر کلیدی نمی‌تواند در تداوم عملکرد آن خللی وارد آورد.

بویایی نظام مشترک‌بین در بدنه مدیریتی و فرماندهی

در مواجهه با تر و هدهد

مهاجمان به امید فروپاشی مدیریتی، به حذف نظام‌مند چهره‌های شاخص پرداختند، اما آنان در محاسبه خود متوجه بودند که نظام جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر اشخاص نیست، بلکه بر خزانة‌ای از نیروهای آموزش‌دیده و شبکهای از کارهای آماده‌منکی است. بلافاصله پس از هر شایعه، جایگزینی ساینسته بر مسند امور تکیه زد و هیچ سکوی کلیدی حتی برای ذقایی خالی نماند. این سطح از تاباوری، نشانه بلوغ سازمانی بالا تلقی می‌شود.

به حاشیه رفتن رقابت‌های سیاسی

در سایه اولویت امنیت ملی

تهدید مشترک خارجی، اولویت‌ها را به طور کامل دگرگون ساخت. فضای گفتگمانی کشور از تنش‌های مرسوم سیاسی عبور کرد و حول مفهوم «اتحاد مقدس ملی و دفاع از مین» متمرکز شد. تمامی جریان‌های فکری و سیاسی، اختلافات پیشین را کنار نهاده و حول محور بقای ایران ائتلاف کردند. این کاهش سطح تنش درونی، سرمایه‌ای کلان برای آینده سیاسی کشور به شمار می‌رود.

جهش در وزن ژئوپلیتیکی و افزایش قدرت چانه‌زنی

در زمین مذاکره

پایان جنگ شواهد رویداد ایران به فرایند دیپلماتیک‌نه از جایگاه ضعف که از جایگاه یک فاتح میدانسی بود. پیش‌نویس ترک‌مخاصه مینتی بر شروطی بود که پیش از نبرده، ظاهراً دست‌یافتنی می‌نمود. این تحول، ثابت کرد که قدرت چانه‌زنی در عرصه بین‌الملل، محصول مستقیم ایستادگی در صحنه نبرد است.

خلق نماد جهانی از «استحکام درونی»

و استقرار مفهوم دفاع مبتنی بر مردم

تاباوری ۴۰روزه در برابر ائتلافی از پیشرفته‌ترین ارتش‌های جهان، به یک نشان ماندگار در تاریخ معاصر تبدیل شد. مفهوم «مقاومت مردم‌پایه» از یک نظریه صرف خارج نشد و به یک واقعیت عینی در میدان نبرد بدل گشت. این الگو توسط کارشناسان نظامی شرق و غرب به عنوان یک نمونه موفق از دفاع نامتعارف و خودتاکتایی مطلق مورد مطالعه قرار گرفت.



محمد رضا نیک‌مهد جوان

روایتی از موفقیت‌های عظیم ملت ایران در جنگ تحمیلی سوم

۴۰ دستاورد جنگ ۴۰روزه

باز تعریف سیمای ملی؛ از تصویر کشوری شکننده

به قدرتی منسجم و یابان

برای سال‌ها، رسانه‌های فارسی‌زبان وابسته، تصویری از ایران به عنوان جامعه‌ای در آستانه فروپاشی سیاسی و اجتماعی ترسیم می‌کردند، اما این نبرد تمام آن تصویرسازی‌ها را بی‌اعتبار کرد. جهان شاهد بود که افشار و طبقات مختلف جامعه با تجاوز همراهی نکردند و ایران از این آزمون با چهره‌ای منسجم‌تر و دارای وجهت بین‌المللی قوی‌تر بیرون آمد.

زایش سرمایه فرهنگی نو در بستر آتش و خون

در دل شهبای بمباران، هنر، شعر و حماسه دوباره جان گرفت. فرهنگ مقاومت در قالب سرودهای میدانی، آثار جسمی و مناسک عمومی بازتولید شد. این ثروت فرهنگی که از تلفیق سنت‌های کهن و نیازهای روز شکل گرفت، فراتر از مرزها، در میان آزادی‌خواهان جهان نیز طنین‌انداز شد و گنجینه‌ای ارزشمند برای نسل‌های آتی فراهم آورد.

باز آفرینی هویت جمعی ایرانیان

در جغرافیای داخلی و خارج از کشور

حمله خارجی همچون کورای عمل کرد که هویت ملی را در آن تقویت‌تر ساخت. ایرانیان خارج از مرزها، برای هرگونه گرایش سیاسی، حول محور «دفاع از خاک» با هم‌وطنان خود همصدا شدند. این تجربه مشترک مقاومت، ریشه‌های عمیق به یک تاریخ و سرنوشت مشترک را استحکام‌تر از پیش کرد و احساس همبستگی ملی را عمق بخشید.

خلق اسطوره‌های معاصر و احیای ارزش‌های فداکاری

در ناخودآگاه جمعی

نام‌ها و تصاویر جدیدی به قاموس ایثار ملی افزوده شد. تصویر امام شهیدمان خصوصاً با نماد مشت‌گرفته در هنگام شهادت و فرماندهان شهید در روزهای آغازین، به نمادهای جدید پامردی بدل گشتند. اجتماعات میلیونی در آیین‌های تشییع زیر سایه تهدید حملات، تصاویری حماسی را در حافظه تاریخی ملت ثبت کرد که ماندگاری ارزش‌های آسمانی و ملی را تضمین می‌نماید.

عمق بخشی به حس مین دوستی

و یاز نابی غرور ملی تاریخی

نتیجه این نبرد، کسب یک پیروزی تاریخی بدون واگذاری حتی یک وجب از خاک بود. این دستاورد که در مقایسه با کارنامه تلخ جنگ‌های ایران با قدرت‌های استعماری در دو سده اخیر کاملاً بی‌سابقه است، به رگ‌های ملت تزریق شد و غرور ملی را بازآفرینی کرد. این رخداد ثابت کرد که دوران شکست‌های سرزمینی برای همیشه به پایان رسیده است.

جلب همدردی و همراهی افکار عمومی جهان

نسبت به فرهنگ و ملت ایران

شدت تخریب زیرساخت‌های شهری و تلفات غیرنظامیان، موجی از واکنش‌های آسمانی را در سراسر جهان برانگیخت. بسیاری از کشورهای و ملت‌ها که پیش‌تر تحت تأثیر روایت‌سازی‌های رسانه‌ای قرار داشتند، در عمل با این متجاوز مخالفت کردند. این موج همبستگی بین‌المللی، چهره فرهنگی ایران را در جهان بهبود بخشید و بر اعتبار اخلاقی گفتمان مقاومت افزود.

تقویت بنیان‌های همگرایی ملی

و پیوندهای میان اقوام ایرانی

تهدید خارجی به مثابه حلالی برای شکاف‌های اجتماعی و قومی عمل کرد. در این ۴۰روز، هیچ نشانه‌ای از تنش‌های قومیتی یا مذهبی در پهنه ایران مشاهده نشد. همه اقوام و پیروان ادیان در کنار یکدیگر به دفاع از حریم مشترک پرداختند و نشان دادند که وحدت ملی مهم‌ترین سیر دفاعی در برابر تهدیدات برون‌مرزی است.

تثبیت و توسعه فرهنگ ایستادگی در سطوح فراملی

این نبرد، در فرهنگ مقاومت را از سطح ملی فراتر برد و به یک پدیده منطقه‌ای و جهانی تبدیل کرد. شبکه‌های هم‌بیمان در منطقه با هماهنگی کامل ضربات سنگینی به اهداف متجاوزان وارد کردند و بویایی و ریشه‌داری این شبکه را به اثبات رساندند. در سطح بین‌المللی نیز این ایستادگی به مثابه کتاب راهنمایی برای ملت‌های تحت فشار تلقی می‌شود.

جهش در شاخمی سرمایه اجتماعی

و افزایش اعتماد میان شهر و رندان

سرمایه اجتماعی، یعنی همان شبکه‌های اعتماد و همکاری متقابل، در این دوره به شدت تقویت شد. مشارکت گسترده و خودجوش مردم در کمکرسانی و پشتیبانی از جبهه‌ها، نمود بارز این ثروت نامرئی بود. جالب‌ترین نمود این تاب‌آوری، بازگشت فوری رونق به بازارها و حیات عادی شهری تنها دو روز پس از سکوت تنفک‌ها بود.

باز یابی و انسجام هویت جمعی در برابر تهاجم

خطره مشترک تجاوز و دفاع، هویت جمعی ایرانیان را در داخل و خارج از کشور دوباره فعال کرد. این فرایند به تقویت پیوندهای عمیق احساسی و تاریخی میان افرادی منجر شد که شاید پیش از این از یکدیگر فاصله گرفته بودند. این یکپارچگی هویتی، میراث ماندگار این بحران برای نسل‌های آینده خواهد بود.

افزایش خودباوری ناشی از اعتماد به نظر فیت‌های

فناورانه بومی در حوزه دفاعی

معماری دفاعی کشور که بر پایه تلفیقی از سامانه‌های موشکی، پدافندی و پهپادی بنا شده بود، در برابر سنگین‌ترین برورش هوایی تاریخ منطقه سرلنند بیرون آمد. این موفقیت میدانی، اعتمادبه‌نفس ملی در حوزه فناوری‌های راهبردی را به شکل چشمگیری افزایش داد و اثبات کرد که اتکار بر توان داخلی، تنها راه تضمین امنیت پایدار است.

تداوم ابتکار عمل میدانی با اجرای ده‌ها موج عملیاتی

زیر بمباران سنگین

توانایی حفظ آهنگ عملیات‌های تهاجمی در شرایطی که کشور زیر شدیدترین فشارهای آتش دشمن قرار داشت، شاخص قدرت فرماندهی و کنترل است. اجرای موج‌های عملیات تلافی‌جویانه با استفاده از مهمات دوربرد، نشان داد که مرکز نقل فرماندهی ایران هیچ‌گاه از دست نرفت و ابتکار عمل در صحنه نبرد در اختیار نیروهای مدافع باقی ماند.

تجلی وحدت ساحت، انسجام راهبردی شبکه مقاومت

و شکست پروژه‌ها نژاد وای ایران

ادعای نابودی محور مقاومت با واقعیت هماهنگی کامل میدانی روبه‌رو شد. جبهه‌های متعدد در لبنان، عراق و ین به طور هم‌زمان فعال شدند و دشمن را در یک جنگ چندلایه گرفتار کردند. این هماهنگی، عمل‌آ راهبردی منزوی‌ساز برای ایران را خنثی و قدرت بازدارندگی شبکه متحدان ایران را به اثبات رساند.

ارتقای دکتربین دفاعی از سطح ملی به الگوی بین‌المللی

این نبرد، درس‌های ارزشمندی برای دکتربین‌های نظامی قدرت‌های جهانی به همراه داشت. اصل «خودتاکتایی و استقلال دفاعی» به عنوان تنها ضامن بقای حاکمیت ملی تثبیت شد. مقاومت ایران به یک مطالعه موردی در دانشگاه‌های نظامی جهان برای شناخت شیوه‌های نوین دفاع نامتعارف تبدیل شد.

سنجش واقعی وزن و جایگاه نظامی

در ترازوی قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی

این جنگ، ویرتینی عملی برای توانایی‌های دفاعی ایران بود. به رغم آتش سنگین دشمن، توان تهاجمی و دفاعی ایران منهدم نشد و حجم قابل توجهی از زرادخانه راهبردی کشور سالم ماند. این عملکرد، جایگاه ایران را در معادلات نظامی جهانی تثبیت کرد و به خلیج‌لیگ‌ها شکست داد.

عبور مقتدرانه از بزرگ‌ترین تهدید امنیتی نیم‌قرن گذشته

ائتلافی از ترترین قدرت‌های نظامی با هدف فروپاشی ساختار سیاسی و دفاعی ایران وارد عمل شد. ایستادگی در برابر این تهدید تاریخی و حفظ کامل تمامیت ارضی، نقطه عطف استراتژیک محسوب می‌شود. در مقایسه با تاریخ معاصر ایران که با عقب‌نشینی‌های سرزمینی عجین شده، این نبرد یک پیروزی مطلق در مفهوم بقا و حفظ حاکمیت بود.

تحمیل تلفات و خسارات بی‌سابقه مالی و جانی به مهاجمان

بر اساس ارزیابی‌های میدانی، طرف مقابل در این نبرد متحمل تلفات انسانی سنگین (صدها کشته‌نیروهای آمریکایی و بیش از هزار کشته صهیونیست) شد. انهدام چندین سامانه راهبردی پدافندی، از کار افتادن یک ناو هواپیمابر، سرنگونی ده‌ها فروند هواپیمای پیشرفته و غیرقابل سکونت شدن ۱۳ پایگاه نظامی، هزینه‌ای نجومی (بین ۴۲ تا ۵۰ میلیارد دلار مستقیم) را بر سر اقتصاد مهاجمان تحمیل کرد.

اثبات توانایی در گشودن آسمان دشمن

و تحمیل از اده قدرت هوایی

به رغم تبلیغات گسترده در مورد برتری هوایی مطلق، برنده‌های هدایت‌شونده از راه دور و موشک‌های ایرانی توانستند لایه‌های پیشرفته دفاع هوایی دشمن را بشکافند و اهداف حیاتی در عمق مناطق تحت کنترل متجاوزان را مورد اصابت قرار دهند. این اقدام ثابت کرد دوران یک‌نژادی هوایی به پایان رسیده است و آسمان دشمن دیگر نامت نیست.

اعاده حاکمیت مؤثر بر تنگه هر مز و تبدیل آن

به اهرم ژئواکونومیک

این آبراه بین‌المللی به کانون قدرت‌نمایی ایران بدل شد. با یک آرایش راهبردی، کنترل ترده در این مسیر کلیدی در اختیار ایران قرار گرفت. کاهن ۹۵ درصدی ترافیک تجاری و وادار کردن یک شش‌سور عظیم به عقب‌نشینی، پیام روشنی از اقتدار ایران در مدیریت این شاهرگ اقتصادی جهان بود. این اقدام قیمت نفت را دو برابر کرد و معادلات اقتصاد جهانی را متأثر ساخت.

تداوم ابتکار عمل میدانی با اجرای ده‌ها موج عملیاتی

زیر بمباران سنگین

توانایی حفظ آهنگ عملیات‌های تهاجمی در شرایطی که کشور زیر شدیدترین فشارهای آتش دشمن قرار داشت، شاخص قدرت فرماندهی و کنترل است. اجرای موج‌های عملیات تلافی‌جویانه با استفاده از مهمات دوربرد، نشان داد که مرکز نقل فرماندهی ایران هیچ‌گاه از دست نرفت و ابتکار عمل در صحنه نبرد در اختیار نیروهای مدافع باقی ماند.

تجلی وحدت ساحت، انسجام راهبردی شبکه مقاومت

و شکست پروژه‌ها نژاد وای ایران

ادعای نابودی محور مقاومت با واقعیت هماهنگی کامل میدانی روبه‌رو شد. جبهه‌های متعدد در لبنان، عراق و ین به طور هم‌زمان فعال شدند و دشمن را در یک جنگ چندلایه گرفتار کردند. این هماهنگی، عمل‌آ راهبردی منزوی‌ساز برای ایران را خنثی و قدرت بازدارندگی شبکه متحدان ایران را به اثبات رساند.

ارتقای دکتربین دفاعی از سطح ملی به الگوی بین‌المللی

این نبرد، درس‌های ارزشمندی برای دکتربین‌های نظامی قدرت‌های جهانی به همراه داشت. اصل «خودتاکتایی و استقلال دفاعی» به عنوان تنها ضامن بقای حاکمیت ملی تثبیت شد. مقاومت ایران به یک مطالعه موردی در دانشگاه‌های نظامی جهان برای شناخت شیوه‌های نوین دفاع نامتعارف تبدیل شد.

تحمیل از اده سیاسی بر دشمن

و وادار کردن وی به پذیرش شروط

غایت هر نبردی تحمیل خواست بر حریف است. در این رویارویی ائتلافی که با هدف برچیدن ساختار سیاسی ایران وارد کارزار شده بود، در نهایت مجبور به پذیرش مفاد پیشنه‌های ایران برای آتش‌بس شد. تعهد به عدم تجاوز مجدد و پذیرش حقوق مسلم ایران، نشانه بارز شکست راهبردی مهاجمان در تحمیل اراده خود بود.

خنثی‌سازی کامل پروژه‌های براندازانه و تجزیه‌طلبانه

در سایه اتحاد ملی

سناریوی هم‌زمانی تهاجم خارجی با ناآرامی‌های داخلی به رهبری گروه‌های یوزسین و تجزیه‌طلب کاملاً مقیم ماند. برخلاف انتظار دشمن، هیچ‌گونه بحران قومی یا سیاسی در داخل کشور شکل نگرفت. گروه‌های معارض خارج‌نشین نیز در جلب حمایت بین‌المللی ناکام ماندند و در انزوا مطلق فرو رفتند. این ناکامی، حاکی از فقدان هرگونه پایگاه اجتماعی برای این جریان‌ها در داخل ایران است.

اثبات بی‌تأثیری حذف فیزیکی رهبران

در تداوم حرکت یک نظام ریشه‌دار

حمله به مراکز فرماندهی نشان داد که معماری سیاسی کشور بر پایه اشخاص بنا نشده است. فرایند جانشینی به سرعت و قانونمندی کامل انجام شد و خلأ مدیریتی ایجاد نگردد. این استحکام ساختاری نشان می‌دهد که نظام جمهوری اسلامی ایران از چنان ریشه‌های محکمی در متن جامعه و قانون برخوردار است که شهادت رهبران نه تنها توقفی ایجاد نمی‌کند، بلکه موتور محرکی برای تداوم مسیر است.

اثبات کارآمدی الگوی حکمرانی بومی

در مدیریت بحران‌های فراگیر

تلفیق ظرفیت نهادهای رسمی با موج مشارکت مردمی، الگویی کارآمد از مدیریت بحران را به نمایش گذاشت. در شرایطی که تمامی زیرساخت‌ها تحت فشار بودند، امنیت غذایی، امنیت داخلی و خدمات عمومی دچار فروپاشی نشد. این دستاورد ثابت کرد که الگوی حکمرانی ایرانی می‌تواند در بدترین شرایط ممکن نیز از عهده اداره کشور برآید.

بی‌اعتبار شدن تحلیل‌های مبتنی بر گسست نسل‌ها

و شکاف‌های اجتماعی

بسیاری از تحلیلگران پیش از جنگ از شکاف عمیق میان نسل جدید و ارمان‌های نظام سخن می‌گفتند، اما تصاویر حضور گسترده جوانان در صفوف داوطلبان دفاع و کمک‌رسانی، این تحلیل‌ها را به چالش کشید. نسل جدید ایرانی در این آزمون نشان داد که در لحظه خطر، پیوند عمیقی با هویت ملی و کینان کشور دارد.

دستیابی به اهرم فشار اقتصادی

با استفاده از موقعیت جغرافیایی منحصر به فرد

مدیریت بحران در تنگه هرمز نشان داد که ایران می‌تواند با استفاده از موقعیت ژئوپلیتیکی خود، معادلات اقتصاد جهانی را تحت تأثیر قرار دهد. این توانایی که با کمترین هزینه نظامی و بیشترین بهره سیاسی همراه بود، به عنوان یک سلاح بازدارنده در معادلات آتی منطقه و جهان به ثبت رسید.

ثبت رکوردی جدید در سرعت باز یابی روانی

و اقتصادی جامعه پس از جنگ

یکی از شگفت‌انگیزترین دستاوردهای این دوره، سرعت بازگشت جامعه به روال عادی بود. تنها ۴۸ ساعت پس از خاموشی آتش جنگ، فعالیت بازارها و کسب‌وکارها از سر گرفته شد و حیات شهری جریان یافت. این سرعت باز یابی، نشان‌دهنده سطح بالای تاب‌آوری اجتماعی و اعتماد عمومی به ساختارهای حاکمیتی است.

تثبیت جایگاه ایران به عنوان ضامن ثبات یابی ثباتی

در آبرو‌های بین‌المللی

بازگشایی تنگه هرمز تحت نظارت و مجوز ایران، این پیام را به جامعه جهانی مخابره کرد که امنیت انرژی جهان تا حد زیادی به اراده ایران گره خورده است. این جایگاه جدید، ایران را از یک بازیگر منمنقه‌ای به یک قدرت تأثیرگذار بر نظم اقتصادی بین‌الملل ارتقا داد.

شکست روانی پروژه «ایران هراسی»

و جایگزینی آن با «ایران شناسی واقع‌بینانه»

رسانه‌های بین‌المللی که سال‌ها به دنبال نمایش ایران به عنوان یک تهدید غیر قابل پیش‌بینی بودند، ناچار به پوشش واقعیت مقاومت قانونی و مشروع ایران شدند. این جنگ باعث شد افکار عمومی جهان نگاه دقیق‌تری به ریشه‌های قدرت ایران داشته باشند و پروژه ایران‌هراسی تا حد زیادی فروکش کند.

احیای جایگاه مسجد و هیئت به عنوان مراکز فرماندهی

و پشتیبانی مردمی محلی در بحران

در این نبرد، اماکن مذهبی و هیئت‌های مذهبی بار دیگر به ستادهای مردمی تبدیل شدند. این مراکز که ریشه در سنت تاریخی جامعه ایران دارند، نقش کلیدی در سازماندهی نیروهای داوطلب، جمع‌آوری کمک‌های مردمی و تقویت روحیه ایفا کرد و کارکرد اجتماعی خود را به اثبات رساندند.

اثبات یوج بودن راهبرد «فشار حداکثری نظامی»

در مواجهه با اراده ملی

این جنگ نشان داد که هیچ حجمی از آتش و تخریب نمی‌تواند اراده یک ملت را برای حفظ استقلال خود در هم بشکند. راهبردی که بر پایه تخریب زیرساخت‌ها برای ایجاد نارضایتی عمومی بنا شده بود، نتیجه معکوس داد و به تقویت روحیه استقامت و انسجام ملی منجر شد.

حلق یک نقطه عطف تاریخی

و ترسیم افق جدیدی برای نظم منطقه‌ای

نتیجه این ۴۰روزه، پایان یک دوران و آغاز دورانی جدید در معادلات خاورمیانه بود. ایران نه تنها از این نبرد جان سالم به در برد، بلکه جایگاه خود را به عنوان قدرتی تثبیت‌شده که قادر است اراده خود را بر ائتلاف‌های جهانی تحمیل کند، به اثبات رساند. این رخداد، چارچوب‌های ذهنی قدرت‌های بزرگ در مورد نحوه مواجهه با ایران را برای دهه‌های آینده دگرگون ساخت.

فرجام سخن

جنگ تحمیلی سوم، رویدادی سرنوشت‌ساز در تاریخ معاصر ایران و خاورمیانه بود. آنچه در پایان این نبرد ۴۰روزه به دست آمد، مجموعه‌ای از دستاوردهای راهبردی در عرصه‌های سیاسی، مدیریتی، فرهنگی، اجتماعی و دفاعی – نظامی بود که فراتر از انتظار اولیه ناظران و تحلیلگران بود. ایران در این جنگ ثابت کرد که: ۱. ساختار سیاسی آن متأثر از الگوی امام امت از چنان استحکامی برخوردار است که حذف فیزیکی رهبران، خللی در تداوم آن ایجاد نمی‌کند. ۲. ملت ایران در برابر تهدید خارجی، متحد و یکپارچه از نظام خود دفاع می‌کند. ۳. دکتربین دفاعی بومی ایران مبتنی بر موشک‌های بالستیک، پهپادها و پدافند هوایی، توانایی مقابله با پیشرفته‌ترین ارتش‌های جهان را دارد. ۴. ایران می‌تواند از موقعیت ژئوپلیتیکی خود برای اعمال فشار بر اقتصاد جهانی استفاده کند. ۵. محور مقاومت، شبکه‌های منسجم، ریشه‌دار و یویاست که با هماهنگی کامل می‌تواند جبهه‌های متعددی را علیه دشمن بگشاید. این جنگ، نقطه عطفی در تاریخ منطقه و معادلات راهبردی جهان بود. ایران از این نبرد، نه به عنوان یک کشور شکست‌خورده که به عنوان قدرتی مقاوم و پیروز بیرون آمده قدرتی که توانست بزرگ‌ترین ائتلاف نظامی تاریخ خاورمیانه را به عقب‌نشینی وادار و شروط خود را بر آنها تحمیل کند. این پیروزی، تنها یک پیروزی نظامی نبود، بلکه پیروزی یک تمدن کهن و یک فرهنگ مقاوم در برابر زیاده‌خواهی قدرت‌های استعماری بود. پیامدهای راهبردی این جنگ برای دهه‌های آینده باقی خواهد ماند و جایگاه ایران را در نظام بین‌المللی برای همیشه تغییر خواهد داد.